

## نوعی اسم مصدر در زبان فارسی

عصمت خویینی (استادیار دانشگاه خوارزمی)

**چکیده:** در نوشته حاضر، ضمن مروری بر ساخت‌های شناخته‌شده اسم مصدر، به نوع خاصی از اسم در زبان فارسی اشاره می‌کنیم که در کتب دستور به آن تصریح نشده است. این اسم دارای ساختمان ساده است و بر مفهوم عمل دلالت می‌کند و بدون داشتن ساختمان اسم مصدر، در همان معنی به کار می‌رود. این نوع واژه که آن را اسم فعل یا اسم کار می‌خوانیم، دارای دو منشأ اسمی و فعلی است. ساختمان گروه نخست ساده است و ساختمان گروه دوم، گرچه در اصل ساده نیست، به دلیل متروک شدن شیوه ساخت آن، امروزه ساده تلقی می‌شود. *تال جامع علوم انسانی*

کارکرد اسم فعل در زبان فارسی، علاوه بر مفهوم اسم مصدری آن، کارکردی فعلی است. زبان فارسی با ساخت افعال جعلی و مرکب از این‌گونه کلمات، ظرفیت فعلی خود را گسترش داده است.

**کلیدواژه‌ها:** اسم مصدر، اسم فعل، واژه‌سازی زبان فارسی، اسم کار.

### ۱. مقدمه

اسم مصدر یکی از مقولات صرفی زبان فارسی است که مفید معنای مصدر است، اما در دسته‌بندی انواع اسم، به دلیل تفاوت در ساختمان صرفی، از مصدر جدا می‌شود؛ به

عبارت دیگر، اسم مصدر کلمه‌ای است که بر مفهوم عمل دلالت می‌کند، بی‌آنکه بر مفهوم زمان و شخص دلالت داشته باشد.

سابقه توجه به مفهوم اسم مصدر در آثار ادبی و بلاغی زبان فارسی به قرن هفتم می‌رسد. شمس قیس رازی در کتاب *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، با اشاره به کلماتی نظیر روش، دهش و پرورش، می‌نویسد که «ش» در این کلمات معنی مصدری می‌دهد، اما نامی برای این نوع واژه ذکر نمی‌کند (ر.ک. معین ۱۳۵۶: ۵). پس از کتاب *المعجم*، به دلیل اینکه تا قرن‌ها کتاب مستقلی برای قواعد زبان فارسی پدید نیامد، بحث تازه‌ای در این باب سراغ نداریم. از قرن دهم به بعد دنباله بحث اسم مصدر را می‌توان در مباحث دستوری طرح شده در مقدمه فرهنگ‌ها و کتب لغت، نظیر فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع و فرهنگ رشیدی مشاهده کرد (ر.ک. صفا ۱۳۶۶، ۵/۱: ۳۷۰). پس از لغت‌نامه‌ها، دنباله این بحث در کتاب‌های مستقل دستوری پی گرفته می‌شود؛ کتاب‌هایی نظیر *صرف و نحو زبان فارسی* از حاج محمد کریم‌خان، *موارد المصادر* از ابوالنصر سید علی حسن‌خان در هند، *نامه زبان‌آموز* از میرزا علی اکبرخان ناظم‌الاطباء، و *دستور زبان فارسی* از استاد عبدالعظیم قریب که هر یک با اختلافاتی، از این نوع کلمه با نام اسم مصدر و حاصل مصدر یاد کرده‌اند. بعد از آن در دوران معاصر، یعنی از *دستور زبان پنج‌استاد* به بعد، در اغلب کتاب‌های دستور می‌توان این مبحث را پی جویی کرد.<sup>۱</sup>

در باره اسم مصدر کتاب مستقلی نیز با عنوان *اسم مصدر - حاصل مصدر*، به قلم دکتر محمد معین در دست است. نویسنده در این کتاب، پس از بیان تاریخچه پیدایش این بحث در زبان فارسی، میان اسم مصدر و حاصل مصدر از حیث ساختمان فرق می‌گذارد. آن‌گاه با طرح هشت ساخت برای اسم مصدر و پنج ساخت برای حاصل مصدر، به تفصیل درباره ساختمان و سیر تحول تاریخی هر یک بحث می‌کند.

دکتر علی اشرف صادقی نیز مقاله‌ای با عنوان «مصدر و اسم مصدر در فارسی معاصر» دارد. در آثار یادشده می‌توان اطلاعات بسیاری درباره اسم مصدر و ساخت‌های مختلف آن به دست آورد. بسیاری از این اطلاعات در آثار مختلف عیناً تکرار شده‌اند و

۱. بحث اسم مصدر در برخی از کتب دستور نیامده است، مانند *دستور زبان مهدی مشکوة‌الدینی* (۱۳۷۴). همچنین در *دستور زبان خیامپور* (۱۳۷۵) این بحث به صورت روشن و مجزا طرح نشده است.

در پاره‌ای موارد نیز اختلاف نظرهایی دیده می‌شود. هدف نویسنده در این گفتار بررسی و نقد آراء موجود در این باره نیست، بلکه نگارنده قصد دارد با مروری اجمالی بر کلیات بحث اسم مصدر، نقاط مغفولی را در این باره یادآوری کند تا شاید بتواند به تکمیل بحث اسم مصدر در زبان فارسی یاری رساند.

محورهای اصلی بحث اسم مصدر در کتب مختلف دستور به قرار ذیل است:  
۱. اسم مصدر کلمه‌ای است دارای معنی مصدر که ساختمان آن با ساختمان مصدر متفاوت است.

۲. اسم مصدر در زبان فارسی ساخت‌های متفاوتی دارد.

۳. در ساختمان برخی از اسم مصدرها، بن فعل به کار رفته است که بعضی از نویسندگان دستور این ساخت‌ها را اسم مصدر نامیده‌اند، مانند کلمهٔ روش.

۴. در ساختمان برخی دیگر بن فعلی وجود ندارد، بلکه این ساخت‌ها از صفت یا اسم + وند ترکیب یافته‌اند که به آن حاصل مصدر می‌گویند، مانند کلمهٔ بزرگی.<sup>۱</sup>

۵. تعداد ساخت‌هایی که برای اسم مصدر در کتب مختلف دستور آمده با یکدیگر متفاوت است، اما بیشترین تعداد الگوها در کتاب *دستور زبان فارسی*، تألیف استادان احمدی گیوی و انوری آمده است که رقم آن به ۲۳ الگو می‌رسد.

برای شروع بحث ضروری است که ساخت‌های مختلف اسم مصدر را در اینجا ذکر کنیم. الگوهای ساختاری اسم مصدر و حاصل مصدر بر اساس کتاب احمد گیوی و انوری به شرح ذیل است:

۱. پسوند «ش» در آخر بن مضارع: پرورش؛

۲. پسوند «شت» در آخر بن مضارع: خورش؛

۳. های بیان حرکت در آخر بن مضارع: خنده؛

۴. پسوند «ار» در آخر بن ماضی: گفتار؛

---

۱. برخی از نویسندگان دستور میان اسم مصدر و حاصل مصدر تفاوتی قائل نیستند. اعتقاد به وجود حاصل مصدر و جدایی آن از اسم مصدر از اعتقاد دستوریان قدیم دربارهٔ مسئلهٔ اشتقاق در زبان فارسی نشئت می‌گیرد. این نظریه، به تاسی از زبان عربی، ساخت‌های اسمی و صفتی با ریشهٔ فعلی را مشتق، و ساخت‌های اسمی و صفتی بدون ریشهٔ فعلی را جامد می‌داند.

۵. «ی» در آخر صفت و گاهی اسم و به ندرت ضمیر: شادی، پدری، منی؛
۶. «ان» در آخر بن مضارع برخی از فعل‌های مرکب و به ندرت فعل‌های ساده و یا اسم: راه‌بندان، گذران، چراغان؛
۷. «یت» در آخر اسم و صفت عربی یا اسم و صفت و ضمیر فارسی: آدمیت، حساسیت، خریت، خوبیت، منیت؛
۸. بن ماضی برخی از فعل‌ها به تنهایی: نشست، خرید؛
۹. بن مضارع برخی از فعل‌ها به تنهایی: خیز، دو؛
۱۰. بن ماضی دو فعل جدا با واو عطف: رفت و آمد؛
۱۱. بن مضارع دو فعل جدا با واو عطف: سوز و گداز؛
۱۲. بن ماضی و مضارع یک فعل با واو عطف: تاخت و تاز؛
۱۳. بن ماضی یک فعل با بن مضارع فعلی دیگر با واو عطف: زدوبند؛
۱۴. بن مضارع دو فعل یا تکرار بن مضارع یک فعل با «ا»: تکاپو، کشاکش؛
۱۵. بن ماضی در آخر اسم یا کلمه دیگر: چشمداشت؛
۱۶. بن مضارع در آخر اسم: گوشمال؛
۱۷. بن ماضی یا مضارع همراه پیشوند: برآورد، بازخرید؛
۱۸. از ساخت امر دو فعل جداگانه: بده‌بستان؛
۱۹. بن ماضی یا مضارع با پسوند «مان»: ساختمان، زایمان؛
۲۰. اسم و بن ماضی یا مضارع فعل هم‌معنی آن: مرگ‌ومیر، خوردوخوراک؛
۲۱. از تکرار ساخت امر یک فعل: بچاپ‌بچاپ، بکش‌بکش؛
۲۲. از ساخت امر دو فعل جداگانه: بده‌بستان، بزنبکوب؛
۲۳. از صفت + پسوند «ا»: درازا، پهنا، ژرفا.

## ۲. طرح یک مطلب جدید

برای تکمیل بحث انواع اسم مصدر از حیث ساختمان باید مصادر عربی رایج در زبان فارسی را نیز بدان اضافه کرد؛ زیرا کلماتی نظیر ازدواج، تفهیم، ابراز و رحمت، در صرف زبان فارسی، اسم مصدر هستند (ر.ک. فرشیدورد ۱۳۸۲: ۱۸۴). با دقت در ساختمان

انواع اسم مصدر می‌توان تمامی آنها را در چهار دسته کلی جای داد:

۱. اسم مصدرهایی که از ریشه فعل و وند ساخته شده‌اند، مانند: کشاکش، کوشش؛
۲. اسم مصدرهایی که تنها از ریشه فعل ساخته شده‌اند، مانند: خرید، خیز؛
۳. اسم مصدرهایی که از غیر فعل و وندهای خاص اسم مصدر ساخته شده‌اند، مانند: خوبی، پهنا؛
۴. اسم مصدرهای قرضی از زبان عربی که در اصل خود ماهیت مصدری دارند، مانند: ازدواج، تفهیم.

با دقت در ساخت‌های اسم در زبان فارسی به اسم‌هایی برمی‌خوریم که هیچ‌یک از ساخت‌های یادشده اسم مصدر را ندارند؛ یعنی از ریشه افعال، وندهای اسم‌مصدری یا هر دوی آنها با هم، ساخته نشده‌اند و از جمله اسم مصدرهای قرضی نیز نیستند. این نوع کلمات، از حیث ساختمان، جزو اسم‌های بسیط به حساب می‌آیند و از نظر معنا بر مفهوم عمل و فعل دلالت می‌کنند؛ یعنی در زبان فارسی دقیقاً در مفهوم مصدر و اسم مصدر به کار می‌روند. به بیان دیگر، بدون داشتن مفهوم شخص و زمان، بر مفهوم فعل دلالت می‌کنند؛ مضافاً اینکه نشانه‌های مصدر و اسم مصدر را نیز ندارند. کلماتی مانند فریاد، نگاه، کمک، پرواز، پرتاب، مرگ، چشمک، خمیازه، بیداد، سوگند، سپاس، تکان و انجام از آن جمله‌اند.

چنان‌که مشاهده می‌شود در ساختمان هیچ‌یک از نمونه‌های یادشده ریشه فعلی وجود ندارد و وندهای اسم‌مصدری نیز به آنها الحاق نشده است، اما این نمونه‌ها، از حیث معنا، با مفهوم یک مصدر یا اسم مصدر برابری می‌کنند. به این مثال‌ها بنگرید:

- پرواز او با موفقیت انجام شد (پرواز کردن او).
- مرگ پدر وی را متالم کرد (مردن پدر).
- نوع نگاه ما به جهان منشأ اعمال ماست (نگرش).

بنابراین می‌توان نوعی اسم مصدر را در زبان فارسی شناسایی کرد که دارای ساختمانی ساده است و واجد هیچ یک از ساخت‌های شناخته‌شده اسم مصدر نیست. کارکرد این نوع کلمات در زبان، همان کارکرد اسم مصدر و مصدر است؛ همان گونه که اسم مصدرها در ترکیب با همکردها می‌توانند در زبان نقش فعل را ایفا کنند،

بسیاری از این واژه‌ها هم می‌توانند به عنوان فعل‌یار در ساختمان افعال مرکب به کار روند، مانند: نگاه کردن، پرواز کردن (مثل ورزش کردن)، تکان خوردن (مثل قسم خوردن)، انجام دادن (مثل قول دادن). این فعل‌ها از افعال مرکبی هستند که همکردها در مفهوم فعل تأثیری ندارد و بار معنایی فعل بیشتر به دوش فعل‌یار است؛ چنان‌که در جمله‌های «نگاه کردی» و «تکان خورد» معنای اصلی عمل از کلمات نگاه و تکان دریافت می‌شود و همکرد تنها جنبه صرفی فعل را تأمین می‌کند؛ یعنی بیانگر مفهوم زمان و شخص فعل است. در دو فعل یادشده، کردی و خورد بر زمان ماضی ساده، و هریک به ترتیب بر دوم‌شخص و سوم‌شخص مفرد دلالت می‌کند. زبان فارسی با این نوع واژه‌ها در ترکیب‌های فعلی همان رفتاری را می‌کند که با اسم مصدرهای فارسی و مصادر عربی؛<sup>۱</sup> به طوری که اگر زمان و شخص فعل مورد نظر نباشد، وجود این همکردها غیرضروری است و زبان مبادرت به حذف آنها می‌کند. مثال‌های ذیل بی‌تأثیر بودن همکرد را در معنی این گونه فعل‌ها نشان می‌دهد.

- ورزش کردن برای سلامتی مفید است. ← ورزش برای سلامتی مفید است.
- پرواز کردن لذت‌بخش است. ← پرواز لذت‌بخش است.
- ازدواج کردن امری مقدس است. ← ازدواج امری مقدس است.

چنان‌که در مثال‌های بالا می‌بینیم، به دلیل آنکه مصدر فاقد معنای زمان و شخص است، حذف همکرد آنها تأثیری در معنای مصدر نمی‌کند. این نوع حذف وقتی می‌تواند صورت بگیرد که همیار فعل مرکب، اسم مصدر یا واژه‌ای در حکم اسم مصدر باشد. در نمونه‌های یادشده ارزش معنایی جمله‌های نخست با جمله‌های دوم برابر است.

### ۳. اسم فعل

اسم‌هایی را که وصف آن گذشت، به دلیل آنکه بر مفهوم فعل و عمل دلالت می‌کنند، می‌توان اسم فعل یا اسم کار نامید و به دلیل آنکه بر مفهوم مصدر دلالت می‌کنند و ساختمانی غیر مشتق دارند، می‌توان آنها را در شمار اسم مصدرهای بی‌نشانه (بدون

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک. خوبی، عصمت (۱۳۸۹)، «نکته‌هایی درباره فعل مرکب»، پژوهش‌نامه ادب فارسی (گهر گویا)، ش ۲، ص ۴۵.

وند) به حساب آورد. اصطلاح اسم فعل ممکن است یادآور اصطلاح صرفی اسم فعل در زبان عربی باشد، اما آنچه به این نام در زبان عربی به کار می‌رود در صرف فارسی بیشتر به شبه‌جمله و اسم صوت شباهت دارد؛ زیرا در قواعد عربی اسم فعل به کلمه‌ای گفته می‌شود که از نظر معنا و عمل جانشین فعل می‌شود، با این فرق که معمول عوامل فعل قرار نمی‌گیرد و در مفهوم فعل ماضی و مضارع و امر به کار می‌رود، مانند: بطآن (دیر کرد)، آوَه (درد می‌کشم) و آمین (بشنو) (ر.ک. ماهیار ۱۳۸۲: ۷۲). اسم فعل یا اسم کار در زبان فارسی مانند مصدر نسبت به مفهوم زمان بی‌اعتناست و تنها با مفهوم عمل سروکار دارد؛ بنابراین مفهوم آن با اسم فعل عربی به کلی متفاوت است و در عوض با آنچه در زبان انگلیسی Verbal Noun و در فرانسوی Nom Verbal خوانده می‌شود، منطبق است. برخی از مستشرقان مانند زالمان، شوکوفسکی و هرن، در آثار خود اسم مصدرهای شینی و یایی فارسی را چنین نامیده‌اند (ر.ک. معین ۱۳۵۶: ۱۰).

اصطلاح اسم فعل پیش از این نیز در آثار برخی از محققان دستور زبان فارسی آمده است، چنان‌که همایونفرخ (۱۳۶۴: ۸۱) درباره اسم مصدر شینی می‌نویسد: «اسم مصدری که به شین ساکن تمام می‌شود و آن را مصدر شینی و اسم فعل نیز نامند، از نیمی از افعال بیشتر نیامده است». ناتل خانلری (۱۳۶۶: ۵۶/۳) نیز در بیان یکی از انواع ترکیبات اسمی می‌نویسد: «دو اسم فعل با حرف پیوند «ا» که از مجموع آنها یک اسم مصدر حاصل می‌شود، مانند تکاپو»، و ظاهراً مقصود او از اسم فعل ریشه مضارع افعالی است که به تنهایی معنی اسم مصدر می‌دهند، مانند گذر و جوش. فرشیدورد در دستور مفصل امروز (۱۳۸۲: ۲۴۱)، در بیان انواع اسم، علاوه بر اسم مصدر عنوان دیگری را نیز به نام اسم‌های عمل و کار می‌آورد و درباره آن می‌نویسد:

این‌گونه اسم‌ها یکی از فراوان‌ترین انواع اسم معنی و اسم مصدرند و مانند بسیاری از اسم مصدرها بر کار و عمل دلالت می‌کنند. از آن جمله‌اند: عمل، کار، رفتار، کردار، گفتار، خیز، دو، روش، پرتاب، برد، باخت، ساخت، احسان، نیکی، بدی، اقدام، قرائت، خواندن، گرفتن، پوشیدن، خواب، خوراک، کوشش، عقدکنان و ... .

چنان‌که دیده می‌شود تعریف نویسنده از اسم عمل و کار تعریفی گنگ و مبهم است، اما از مثال‌های فراوانی که برای آن می‌آورد می‌توان احتمال داد که منظور او از این

اصطلاح، انواع مختلفی از اسم است که وجه مشترک همه آنها دلالت بر مفهوم کار و عمل است. این اسم‌ها را می‌توان به این صورت دسته‌بندی کرد:

۱. ساخت‌های مشتق اسم مصدر و حاصل مصدر، مانند: رفتار، نیکی، کوشش و خوراک؛

۲. بن‌ماضی و مضارع افعالی که به‌تنهایی در مفهوم اسم مصدر به کار می‌روند، مانند: خیز، دو، باخت و ساخت؛

۳. مصادر عربی که در زبان فارسی اسم مصدر محسوب می‌شوند، مانند: احسان، اقدام و قرائت؛

۴. مصدرهای فارسی، مانند: خواندن، گرفتن و پوشیدن؛

۵. برخی دیگر از اسم‌ها که فرشیدورد فقط کلمه پرتاب را از این نوع آورده است و هیچ توضیحی برای آن و نیز برای هیچ‌یک از انواع دیگر نداده است.

نوع اخیر همان است که در این مقاله اسم فعل یا اسم کار نامیده شده است. در دستور پنجم/استاد (قریب و دیگران ۱۳۶۸: ۱۲۲/۱) و دستور مشکور (۱۳۶۸: ۱۰) نیز به این نکته که اسم مصدر، حاصل معنی فعل است، اشاره شده است. معین (۱۳۵۶: ۶) در بیان تاریخچه پیدایش اسم مصدر می‌نویسد:

ابونصر سید علی حسن خان، نویسنده کتاب *موارد المصادر*، حاصل مصدر را گاه درباره مصدر مرخم مانند آمد و آورد به کار می‌برد و گاه درباره مصدر شینی، مانند آغالش و آزارش، و گاه درباره ریشه فعل، مانند آغال و آغیل، آزار و آغار، و گاه هر کلمه‌ای که مفید معنی مصدر باشد، مانند پرواز.

از فحوای این سخن چنین برمی‌آید که نویسنده کتاب *موارد المصادر* علاوه بر ساخت‌های رایج اسم مصدر و حاصل مصدر، به نوع دیگری از کلمات که مفید معنی مصدرند نیز اشاره کرده و مثال پرواز را برای آن آورده است، اما معین توضیحی درباره آن نداده است. چنان‌که دیده می‌شود در نوشته‌های محققان زبان فارسی اشاراتی درباره اصطلاح اسم فعل (اسم کار) وجود دارد، اما هیچ‌یک تصریحی به وجود این قسم کلمه در زبان فارسی نکرده‌اند و گاه حتی این نوع خاص را با موارد صرفی دیگری نظیر مصدر و اسم مصدر درآمیخته‌اند.



#### ۴. اسم مصدرهای بی نشانه

گفتیم که در زبان فارسی اسم‌هایی وجود دارند که بی‌آنکه ساختار و نشانه مصدری یا اسم مصدری داشته باشند، بر مفهوم مصدر دلالت می‌کنند (اسم فعل / کار)، اما باید دانست که در میان انواع اسم مصدر نیز ساخت‌هایی وجود دارد که به وندهای مصدرساز (نون مصدری) و اسم مصدرساز (ش، ه، ار و ...)؛ ملحق نشده‌اند، یعنی مانند اسم فعل‌ها غیر مشتق‌اند؛ با این حال بر مفهوم مصدر دلالت می‌کنند. این ساخت‌ها دو نوع‌اند:

الف) اسم مصدرهایی که از دو فعل امر ساخته می‌شوند، مانند: بزنبزن و بکش‌بکش، که به بحث ما ارتباطی ندارد؛

ب) بن ماضی و مضارع برخی از افعال که به‌تنهایی و یا به‌صورت دو ریشه معطوف در ساختار اسم مصدر به کار می‌روند، مانند: گشت، گشت‌وگذار.

با اینکه اسم مصدرهای گروه (ب) از نظر افاده مفهوم مصدری و عدم پذیرش وندهای اسم مصدری، با اسم فعل‌های مورد نظر ما اشتراک دارند، فرق آنها با یکدیگر در این است که اسم مصدرهای مذکور ریشه فعلی دارند و هر یک بن مضارع یا ماضی افعال فارسی هستند، مانند: ستیز، خیز، گشت، خرید، گشت‌وگذار، رفت‌وآمد؛ درحالی‌که اسم فعل‌ها منشأ اسمی دارند، مانند: فریاد، پرواز و کمک. نکته دیگری که باید در این باره مطرح کرد این است که بن مضارع افعالی که به‌تنهایی در مفهوم اسم مصدر به کار می‌روند دو نوع است:

۱. بن مضارع افعال حقیقی، مانند: توان، سوز، خیز و جوش؛

۲. ریشه مضارع افعال جعلی، مانند: جنگ، خراش، خروش، پسند، خرام، دم، هراس

و... (ر.ک. معین ۱۳۵۶: ۸۲).

تشخیص بن فعلی در گروه نخست این نوع اسم مصدرها دشوار نیست، اما در گروه دوم دشوار است؛ زیرا افعال جعلی فعل‌هایی هستند که از الحاق تکواژ ماضی‌ساز «ید» به آخر اسم ساخته شده‌اند؛ یعنی درحقیقت فعل‌هایی هستند که از اسم به وجود آمده‌اند و منشأ اسمی دارند، اما این اسم‌ها، اسم‌های ساده نیستند، بلکه اسم فعل‌اند و

به تنهایی در مفهوم مصدری به کار می‌روند، مانند: خواب + ید = خوابید، جنگ + ید = جنگید و... به همین دلیل، با حذف تکواژ ماضی‌ساز «ید» از آخر این نوع فعل‌ها، اسم فعل‌هایی باقی می‌ماند که همچنان مفهوم مصدری خود را حفظ کرده‌اند، مانند: خوابیدن - یدن = خواب: «خواب زیاد باعث کسالت می‌شود = خوابیدن زیاد باعث کسالت می‌شود». جنگیدن - یدن = جنگ: «جنگیدن بی‌فایده است = جنگ بی‌فایده است». هراسیدن - یدن = هراس: «هراسیدن از مشکلات دلیل ضعف است = هراس از مشکلات دلیل ضعف است».

ناگفته نماند که افعال جعلی، علاوه بر اسم فعل‌ها، از برخی مصادر عربی نیز ساخته می‌شوند، مانند: بلعیدن. مشکور (۱۳۶۸: ۷۸-۷۹) در بیان ساخت‌های مختلف اسم مصدر می‌نویسد: «بعضی از اسم‌ها که از فعل پیدا شده‌اند مانند: جنگ، ترس و خواب [از انواع اسم مصدر به شمار می‌روند]». منظور نویسنده از اسم در اینجا بن مضارع افعال جعلی است که تحت عنوان گروه دوم از بن مضارع افعال ذکر آن رفت. وی معتقد است که اسم‌هایی نظیر جنگ، بن مضارع فعل‌اند و از فعل حاصل شده‌اند، اما چنان‌که دیدیم عکس گفته‌شده مشکور پذیرفتنی‌تر است؛ یعنی اینکه گفته شود فعل‌هایی هستند که از اسم ساخته شده‌اند. معین (۱۳۵۶: ۸۲-۸۳) درباره اسم‌هایی نظیر جنگ، خراش، خروش و هراس که مصادر جعلی از آنها ساخته می‌شوند، می‌نویسد: «این کلمات نیز هرچند در مفهوم با اسم مصدر یا حاصل مصدر شرکت دارند، اصولاً ریشه فعل به شمار می‌روند و باید در مبحث ریشه افعال از آنها بحث شود». وی، برخلاف مشکور، این نوع کلمه‌ها را به‌رحال ریشه فعل (جعلی) می‌داند و اگرچه تصریحی به منشأ اسمی آن نمی‌کند و توضیح بیشتری در این باره نمی‌دهد، همین که می‌گوید این کلمات در مفهوم با اسم مصدر یا حاصل مصدر شرکت دارند می‌تواند تأییدی بر این گفته ما باشد که مصادر جعلی از اسم فعل‌ها ساخته می‌شوند.

## ۵. کارکرد اسم فعل در زبان

چنان‌که پیش‌تر نیز گفته شد، اسم فعل‌ها در زبان، علاوه بر کارکرد اسم مصدری، کارکرد فعلی نیز دارند؛ یعنی زبان از مفهوم فعلی این‌گونه اسم‌ها برای برآوردن نیازهای فعلی خود استفاده می‌کند، اما همه اسم فعل‌ها در فرایند تبدیل شدن به فعل یکسان و

یک‌دست نیستند:

۱. برخی از اسم فعل‌ها، با پذیرش پسوند فعلی، به‌عنوان افعال جعلی در زبان به کار می‌روند، نظیر: خواب - خوابیدن.

۲. برخی دیگر با پذیرفتن همیار، به‌صورت فعل مرکب به کار می‌روند، مانند کلمه پرواز، فریاد و خمیازه که در زبان فارسی به‌صورت پرواز کردن، فریاد زدن و خمیازه کشیدن به کار می‌روند و پروازیدن و فریادیدن و خمیازیدن از آنها ساخته نشده است؛ به بیان دیگر، می‌توان گفت که زبان به شیوه غیرمستقیم از ظرفیت فعلی این کلمات استفاده کرده است، یعنی جنبه‌های صرفی مورد نیاز فعلی را نه از طریق تکواژ فعل‌ساز (ید)، بلکه از طریق همکرد مرکب‌ساز تأمین می‌کند. بسامد این نوع از اسم فعل‌ها از موارد دیگر بیشتر است.

۳. برخی دیگر از اسم فعل‌ها تنها کاربرد اسم‌مصدری دارند و افعال جعلی و مرکب از آنها ساخته نمی‌شود، مانند: مرگ.

## ۶. اسم فعل‌هایی با بنیاد فعلی

نکته دیگری که در ادامه بحث می‌توان مطرح کرد نوع دیگری از اسم فعل است. کلماتی نظیر کار، شکار، آزار، گذار، شمار، فشار، کلماتی هستند که در ادوار گذشته زبان فارسی از ریشه مضارع برخی از افعال، با تبدیل مصوت کوتاه ماقبل آخر آنها، یعنی «ـ» به مصوت بلند «آ» ساخته شده‌اند: کرد ← کار، شکرد ← شکار، آزد ← آزار، گذر ← گذار، شمرد ← شمار. همایونفرخ (۱۳۶۴: ۸۱-۸۵) در بیان انواع اسم مصدر به اسم مصدرهایی اشاره می‌کند که با پسوند «ار» ساخته می‌شوند:

دسته دوم حاصل مصدرهایی می‌باشند که با «ار» تمام می‌شود و از عده معدودی از افعال بیشتر نیامده است، به قرار زیر است: دیدار، گفتار، گذار، رفتار، کشتار، شمار، پندار، کردار و خفتار که از گفتن، گذشتن، پنداشتن، رفتن، کشتن، شمردن، کردن و خفتن آمده است.

معین (۱۳۵۶: ۷۰) با نقل این سخن همایونفرخ توضیح می‌دهد که گذار و شمار از جمله اسم مصدرهای «اری» نیستند زیرا حرف «ر» در اصل کلمه موجود بوده است:

قاعده‌ای است در فارسی که برخی اسما را از ریشه فعل با افزودن الف به ماقبل آخر

می‌سازند؛ چنان‌که از کر - دن، کار؛ از بر - دن، بار؛ از خور - دن، خوار؛ از آزر - دن، آزار؛ از شمر - دن، شمار؛ از گذر - دن، گذار.

همان‌طور که می‌دانیم شیوه ساخت اسم‌های یادشده در فارسی امروز متروک است به همین دلیل تشخیص ساختمان اصلی آنها دشوار به نظر می‌رسد. بنابراین، از نظر ساخت، این‌گونه اسم‌ها ساده در نظر گرفته می‌شوند و در مجموع، به سبب ساختار ساده و مفهوم اسم‌مصدری، شباهت زیادی به اسم فعل‌های یادشده پیدا می‌کنند و بدین ترتیب می‌توانند در زمره آنها به شمار روند؛ کلماتی مانند: شکار، گذار، کار، آزار. این واژه‌ها، علاوه بر ساختمان، از نظر کارکرد نیز به اسم فعل‌ها شباهت دارند؛ زیرا به دلیل متروک شدن صورت فعلی برخی از آنها، زبان فارسی از این اسم‌ها فعل مرکب ساخته است، مانند شکار که صورت شکردن آن متروک شده و واژه شکار کردن به جای آن به کار می‌رود، اما صورت فعلی برخی دیگر هنوز در زبان پابرجاست، مانند آزدن که صورت فعلی آزار است. یادآوری این نکته لازم است که برخی از این اسم‌ها معنی‌مصدری ندارند و از دایره آنچه گفته شد بیرون‌اند، مانند کلمه بار از بردن که در زبان فاقد مفهوم‌مصدری است و فقط کارکرد اسمی دارد.

## ۶. نتیجه

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر ساخت‌های معروف اسم‌مصدر و حاصل‌مصدر که در کتاب‌های دستور زبان مطرح است، دو نوع اسم‌مصدر بی‌نشانه نیز در زبان فارسی وجود دارد که ما آن را اسم فعل یا اسم کار نامیده‌ایم. این نوع کلمه‌ها بن مضارع افعال اصلی و جعلی نیستند، بلکه ماهیت صرفی آنها اسم است. این اسم‌ها، علاوه بر کارکرد اسم‌مصدری، با پذیرش تکواژ فعل‌ساز «ید» فعل جعلی می‌سازند و یا به‌عنوان فعل‌یار در ساختمان افعال مرکب شرکت می‌کنند و به‌ندرت به همان کارکرد اسم‌مصدری در زبان اکتفا می‌کنند. برخی از اقسام اسم فعل نیز که در ادوار گذشته با تبدیل فتحه ماقبل آخرشان به مصوت «ا» از فعل به وجود آمده‌اند، به دلیل متروک شدن این شیوه اسم‌سازی، امروزه به‌عنوان اسم غیر مشتق کارکرد اسم‌فعلی دارند.

## منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۶۷)، دستور زبان فارسی، فاطمی، تهران؛  
خیام پور، عبدالرسول (۱۳۷۵)، دستور زبان فارسی، ج ۱۰، کتاب فروشی تهران، تهران؛  
خوینی، عصمت (۱۳۸۹)، «نکته‌هایی درباره فعل مرکب»، پژوهش‌نامه ادب فارسی (گهر گویا)، ش ۲، ص ۴۵؛  
صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۶)، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۷، فردوس، تهران؛  
فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲)، دستور مفصل امروز، سخن، تهران؛  
قریب، عبدالعظیم و دیگران [بی‌تا]، دستور زبان فارسی پنج استاد، اشراقی، تهران؛  
ماهیار، عباس (۱۳۸۲)، صرف و نحو عربی، ج ۶، سمت، تهران؛  
مشکور، محمدجواد (۱۳۶۸)، دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی، ج ۱۳، شرق، تهران؛  
معین، محمد (۱۳۵۶)، اسم مصدر و حاصل مصدر، ج ۳، امیرکبیر، تهران؛  
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۶)، تاریخ زبان فارسی، ج ۳، نشر نو، تهران؛  
همایونفرخ، عبدالرحیم (۱۳۶۴)، دستور جامع زبان فارسی، ج ۳، علمی، تهران.

